

این ملت حسود...



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

اگر همسر معاون پارلمانی سابق رئیس جمهور اینستاگرام نداشت، به احتمال خیلی زیاد شهرام دبیری همچنان یکی از نفرات اصلی دولت بود. میل همسر آقای دبیری به شفافیت سبک زندگی شان، عالم و آدم را متوجه کرد که معاون و بانو هنوز تیک سفر قطب جنوب را زده اند و قصد کرده اند که نوروز این کار ناتمام را تمام کنند. اگر پست ایشان درباره سفرشان نبود گویی نه خانی به آرژانتین رفته و نه همسر خانی از قطب جنوب برگشته است. احتمالاً همه، وعده معاون سابق را که رخ در رخ دوربین گفته بود تعطیلات نوروز را به شهر مادری اش می رود، صادق می پنداشتند و کسی هم خیال نمی کرد که ایشان ناگهان نظرش از شمال غربی ایران به منتهی الیه جنوب جهان تغییر کرده است. سفر آقای دبیری که احتمالاً یکی از گرانترین سفرهای جهان است کاری غیرمدلانه و دور از مصلحت برای مقامی بلندپایه بود. آنچه در ظاهر می بینیم ایشان از منابع دولتی برای این سفر استفاده ای نکردند و همه هم می دانند که تمکن مالی ایشان هم چنان است که بتوانند هر لحظه یک سفر این چنینی بروند، مسئله نابه جایی سفر بود. کسی که مسئولیتی در سطح ملی قبول می کند باید بداند هر رفتار اومی تواند در سطح جامعه مورد تفسیر قرار گیرد؛ جامعه ای که زیربار فشار اقتصادی به ستوه آمده چطور باور کند مسئولی که سفر چند میلیاردی تفریحی می رود توان و اراده ای برای حل معضلات کشور دارد. با همه اینها اگر فقط مسئله ناپهنگامی سفر و کج سلیقگی ایشان به عنوان معاون رئیس جمهور بود و ایشان هم صادقانه می گفت که این سفرها بخشی از زندگی همیشگی ایشان بوده هم افکار عمومی و هم احتمالاً رئیس جمهور با نساها ل بیشتری از کنار این اتفاق رد می شدند. شوربوختانه این کج سلیقگی با مسائلی همراه شد که اعتماد عمومی به ایشان سلب شد. اول از همه روابط عمومی تحت امر دبیری، کل سفر را تکذیب کرد و بعدتر از آن رسانه وابسته به دولت این دروغ را بازتاب داد. ای کاش رئیس جمهور در حکم عزل ایشان به جای اشاره به ذات سفر، دلیل عزل را دروغ گویی بعد سفر و سوء استفاده از رسانه ای که با بودجه عمومی ارتقا می کند برای بسط این کذب عنوان می کرد. اگر چنین می شد احتمالاً دیگر همسر ایشان به سان همسر آن شاه خودخوانده که مردم را بی لیاقت خواند، نمی گفت که ما مردم حسودیم و تاب صادق بودن دبیری را نداریم. عجیب است که ایشان بعد از عزل، تمام قد از سفر دفاع می کند. اگر در منظرشان سفر معاون رئیس جمهور به قطب جنوب کاری درست و بی عیب بوده چرا از همان ابتدا به دروغ تکذیب کردند. عجیب تر اینکه چطور وقتی از تمام امکانات؛ از روابط عمومی سازمان تا خبرگزاری رسمی را برای بسط این دروغ به خدمت می گیرند، مردم را به نداشتن لیاقت صداقت متهم می کنند؟ نمی دانم همسر آقای دبیری که این روزها نقش سخنگوی ایشان را به عهده گرفته اند جز همسر ایشان بودن چه تخصص و هویت دیگری دارند ولی کاش فیهشان از جامعه و افکار عمومی چیزی بیشتر از فهم دعوای فامیلی و نظرات خانوادگی بود. حسود برای فرد اطلاق می شود. کسی که می خواهد نعمتی را که دیگری دارد، نداشته باشد. وقتی جمع بزرگی، به اندازه ملت، واکنشی نشان می دهند که بتوان آن را به ردیلتی نزدیک دانست، دیگر باید به دنبال وضعیتی بود که خیل عظیمی را به سمت این رفتار برده است. همسر معاون سابق اگر چنین وضعیتی خاطرش را زرده کرده باید اول از همه از همسر خود به عنوان کسی که همیشه در تصمیم گیری های محلی و کشوری نقش داشته پرسد که چرا مردم ما چنین سفری را بر نمی تابند؟ کاش یکی به همسر معاون سابق بگوید که: **این ملت حسود، معاون رئیس جمهور را برکنار نکرده. خود رئیس جمهور برکنار کرد. ای کاش ایشان خشم اش از عزل همسرش را بر سر کسانی خالی می کرد که توانایی عزل و نصب دارند نه مردم کوچه و خیابان.**

این ملت حسود تنها ملت حسود در جهان نیستند. در کشورهایی که هزار بار بیشتر از کشور ما مرز ثروت رانتهی و غیررانتی مشخص است، در چنین موقعیت هایی ناشی از فشار افکار عمومی مقامات بلندپایه ای ناچار به استعفا یا معزول شدند. بله، نام صحیح آنچه در واکنش به سفر آقای دبیری اتفاق افتاد قانع نشدن افکار عمومی بوده نه حسادت.

این ملت حسود به زعم آمارهای دولتی تعطیلات نوروز بسیار سفر داشته اند اما فقط توان بنزین زدن را داشته اند که به جاده بریزند. عمده این مسافران توان اجاره هتل که هیچ حتی سرنهایی هم نداشته اند وزیر آسمان چادر زده اند یا به مدرسه و این قبیل محل های اسکان رفته اند.

این ملت حسود اقتدر به سرشان است که فردای عزل یادشان برود دبیری و همسرش گل کدام باغ اند. اگر شما اینستاگرامتان را می بستید و در سکوت به جهانگردی ادامه می دادید، دیگر چشم نگران مردمی که منتظرند ببینند تحولات مسقط سفره آنها را کوچکتر می کند یا نه، به سفرهای تفریحی شمانمی افتاد.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱، آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لینتوگرافی و چاپ: همیهین. تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴، توزیع: نشر گستر امروز نوین، تلفن: ۰۲۱۰۶۱۹۳۳۰۰۰



خاموشی دایرة المعارف ادبیات ایران و عرب

علیرضا ذکاوتی استاد برجسته ادبیات، عرفان و تاریخ جهان اسلام درگذشت

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

استاد علیرضا ذکاوتی قراگزلو، گنجی بود بنشسته در گوشه ای؛ نویسنده و پژوهشگر شهیر همدانی و یکی از اعضای هیئت مولفان دایرة المعارف تشیع و از همکاران بنیاد دایرة المعارف اسلامی و دانشنامه جهان اسلام که پس از دهه ها خدمات علمی کم نظیر به جامعه ادبیات و تاریخ ایران، بیستم فروردین ماه ۱۴۰۴ در پی تحمل سال ها مارات و بیماری، در موطن خود درگذشت. او که در حوزه های ادبیات فارسی و عرب و عرفان اسلامی از جمله اساتید برجسته به شمار می رفت، از کودکی در جوی فرهنگی پرورده شد. خود شرحی چنین از خانواده خویش به دست داده بود: «به سال ۱۳۲۲ در یک خاندان مذهبی، علمی و عرفانی در همدان متولد شده ام. پدرم مرحوم شیخ علیرضا ذکاوتی قراگزلو متخلص به «مزم همدانی»، عالم، ادیب، خطیب، عارف، مدرس و شاعر بود. مادر از خاندان حاج محمدجعفر کبوترانگی (مجدوب) از عارفان نامدار قرن سیزدهم هجری است. از کودکی با کتاب بزرگ شده ام و از حضور در مجالس اهل علم در همدان و قم بهره برده و از محضر پدرم و دیگر خوشنویسان که اهل علم بودند، استفاده کرده ام.» آنگونه که خود شرح داده است و تألیفات و ترجمه های فراوان او که بالغ می شود بر ۴۰ کتاب و شماری انبوه مقالات علمی در کنگره ها و همایش های علمی، گواهی می دهند او مطالعاتی پیوسته و گسترده در ادب فارسی و عربی، عرفان اسلامی، عقاید و مذاهب و تاریخ اجتماعی ایران بعد از اسلام داشت و در هر دو رشته ادبیات ابداعی، ادبیات تحقیقی و نیز ترجمه از عربی به فارسی اثری متعدد پدید آورد.

▼ دو ترجمه، دو جایزه کتاب سال

ذکاوتی، مترجمی زبردست بود و دو ترجمه ذکاوتی در دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۸۰ در جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شدند. نخستین اثر، کتابی بود با نام «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» و با عنوان فرعی «رساناس اسلامی» که در سال ۱۳۶۲ در نشر «امیرکبیر» به طبع رسید. نویسنده این اثر آدم متز (۱۸۶۹-۱۹۱۷) شرق شناسی آلمانی سوییسی بود و در آن دوران پس از انقلاب اسلامی که به خصوص از پی آشنایی اولیه با اثر جنجالی ادوارد سعید، «شرق شناسی» نگاهی سراسر منفی به دانش «شرق شناسی» در محافل سیاسی و علمی ابراز می شد، ترجمه چنین کتابی بی دردرس نمی توانست بود. از همین رو اگر چه متز در این کتاب که پنج سال پس از مرگش در آلمان انتشار یافت، نگاهی روی هر چه تمدن آمیز به تمدن اسلامی و شئون مختلف نظام زندگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مسلمانان در قرن چهارم هجری داشت، اما ناشر این امر را ضروری می دانست که «شرق شناسی» را به مثابه «اعمال متافیزیک جدید غرب در تاریخ، فرهنگ و نظام اجتماعی و سیاسی شرق» تصویری نادرست از جوامع شرقی چون چین، ایران، هندو و مکاتبی چون بودیسم، هندو و اسلام معرفی کند و در مقدمه کتاب چنین بنگارد: «مسلمان مومن و متعبد ایرانی چنانچه بخواهد در راه تجدید حیات فرهنگی خود، هویت خویش را از تحقیقات اسلام شناسان و ایران شناسان وابسته به جناح های سیاسی راست و چپ غرب - که عموماً هم یهودی هستند - اخذ کند، سرنوشتی جز وضعیت فعلی روشن فکران متجدد خودی نخواهد داشت که بریده از فرهنگ و جامعه خویش و معلق در بین آسمان و زمین، نه در غربت دلی ششاد و نه رویی در وطن دارند.» جز این البته برخی نقدهایی محتوایی نسبت به سخن گفتن متز از تأثیر پذیری شیعه در مسائل کلامی از معتزله نیز ابراز شده است و منتقدان، نگارش کتاب هایی فراوان در ره آرای کلامی معتزله به دست شیعیان را نشانه ای از نادرستی استنتاج متز دانسته اند.

▼ اعتدال و انصاف ذکاوتی

جدا از این بحث های فنی، در آن زمینه کلی موضع گیری های ایدئولوژیک رایج در اوایل انقلاب که نمونه ای از آن در مقدمه ناشر دیده شد، نگرش ذکاوتی

البته ره به چنین افراطی نمی بُرد چنان که او صفحاتی پس از مقدمه ناشر در بخش «مقدمه مترجم» و در حالی که شش ماه از انقلاب ۵۷ نگذشته بود ابایی از این نداشت که «ارزش کم مانند کتاب در جنبه توصیفی» آن را چنین برشمارد: «تمام ابعاد زندگی مادی و معنوی ملل زیر لوای اسلام در سرزمینی به وسعت از هند تا اندلس و از درین تا زنگبار را با زنده ترین بیان تصویر کرده و با بیطرفی، بلند نظری و احاطه کامل چنان مجموعه عظیمی از مدارک، شواهد، اسناد و حقایق از صدها کتاب خطی و چاپی بیرون کشیده و تنظیم کرده که اگر هم خواننده ای با برخی استنتاجات او موافق نباشد، از مواد آن بی نیاز نخواهد بود و نظر به وسعت و انبوهی داده ها، کشش هرگونه تحلیل، ترکیب و ترتیب علمی مورد توجه خواننده را در خود دارد.» به دلیل همین ویژگی های ارزنده کتاب متز، ذکاوتی در زمینه نقضی که بر کار متز گرفته اند و عبارات است از «نتیجه گیری های فوری از موارد جزئی و استثنائی؛ و گاه برداشت غلط از کلمه یا روایت یا واقعه ای» بر خود لازم می دارد قلم را بر مدار انصاف بگرداند و بنگارد: «بی درنگ باید گفت که اینگونه موارد اولاً کاملاً مجزا از بافت کلی و خط اصلی کتاب است و ثانیاً در جنب رنج سترگی که مولف تحمل کرده، چشم پوشیدنی و بخشودنی است.» دو دهه بعد از موفقیت ترجمه کتاب آدم متز، ذکاوتی در سال ۱۳۸۵ بار دیگر برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی شده. این بار برای ترجمه کتابی به نام «نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام»، نوشته عبدالحی کنانی. این کتاب که در اصل «نظام الحکومة النبویة» نام دارد و در آن بر یگانگی دین اسلام و سیاست اسلامی تأکید می شود، بر این نکته تأکید دارد که در سیره نبوی تمام آنچه می توان از آنها به عنوان اجزای حکومت یاد کرد، به اجمال با تفصیل وجود دارد، هر چند مورد غفلت کسانی قرار گرفته که به گردآوری مسائل حکومتی از دوره خلفای اموی و عباسی اشغال داشته اند. این کتاب به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان رشته تاریخ اسلام، تاریخ و تمدن ملل اسلامی و نیز دیگر علاقه مندان به مطالعات تاریخی در حوزه تشکیلات اسلامی تهیه شده است.

▼ تألیف، گردآوری، باز نویسی و نقد کتاب

ذکاوتی در کنار این ترجمه های درخشان، در دهه ۱۳۸۰، به بازسازی کهنه ترین نسخه «اسکندرنامه نقالی» منسوب به منوچهر خان حکیم مبادرت ورزید. این کتاب که در دوره صفویه نوشته شده از ماجراهای عاشقانه، پهلوانانه و شیرین کاری های عیاری تشکیل شده است و زبان آن در بین نثر کتاب های عصر صفوی و زبان محاوره ای در نوسان است و حتی برخی چنین نثری را پیش در آمد نثر مشروطه و نثر جدید ایرانی قلمداد کرده اند. جز این خصایص ادبی، «اسکندرنامه» داده های قابل توجهی از حیات اجتماعی مردم در آن دوران را بازتاب می دهد. ذکاوتی در تصحیح خود آن را براساس ترتیب طبیعی اش، مقرر داشت و در هم ریختگی های نسخه را کمرنگ کرد.

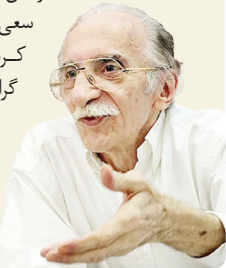
در کارنامه ذکاوتی تألیف آثاری چون «حاجط»، «جنبش نقطویه»، «قرآنیات»، «پارشناسی و نقد تصوف» و «شرح احوال و گزیده آثار صفا الحق همدانی» نیز دیده می شود. در ضمن او به ترجمه کتاب هایی چون «دولت حمدانیان»، «العصر الجاهلی (تاریخ ادبی عرب)»، «غمگسار فرمانروا: گزینش و ویرایش فریده الاصفاع فی ترجمه سلوان الطماع» و گزینش و ویرایش و باز نویسی آثاری چون «آیین رهروی (باز نویسی فرزند السلوک)»، «منتخب محبوب القلوب» و «رموز حمزه و ماجراهای عمر و عیار» همت گماشت و جز اینها در مقام نقد کتاب نیز ممارستی خاص را به نمایش گذاشت. در خشش او در همین عرصه اخیر چنان بود که در سال ۱۳۷۷ به مناسبت چاپ مقاله های متعدد در نقد کتاب در مجله های معتبر کشور، عنوان «منتقد نمونه» را دریافت کرد و ده سال نیز از داوران کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. ذکاوتی دهه ها در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان هم تدریس می کرد و البته در دانشگاه های بوعلی سینا همدان و علامه طباطبائی تهران نیز به عنوان استاد مدعو ادبیات فارسی و عربی حضور داشت. به هر روی در تقاب خاک کشیدن ذکاوتی قراگزلو، ایرانیان از فضل و دانش استادی بزرگ و متبحر در ادبیات فارسی و عربی و تاریخ جهان اسلام که نکته سنجی هایش بر خطاهای هنری کربن تحسین بزرگانی چون جلال الدین آشتیانی را برانگیخته بود، محروم شدند. باید اما امیدوار بود و به انتظار نشست که جای خالی این بزرگان را شاگردان این اساتید پر خواهند کرد یا نه؟

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زید آبادی
- سردبیر: محمد جواد روح
- معاون سردبیر: مهرداد خدیر
- دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

چهره

احیاگر گرافیک تبلیغات

یاد کامران کاتوزیان، هنرمند پیشکسوت طراح گرافیک که با عنوان احیاگر گرافیک تبلیغات کشور شناخته می شود، روز یکشنبه ۲۴ فروردین ماه در سالن شهناز خانه هنرمندان ایران گرمای داشته خواهد شد. کاتوزیان متولد ۱۱ آذر ماه ۱۳۲۰ بود و از دوران دبیرستان به آمریکا فرستاده شد تا تحصیلات خود را کامل کند. او در حدود سال های ۱۳۳۵ در دانشگاه هنر به تحصیل پرداخت. کاتوزیان بعدها به دلیل علاقه وافرش به حوزه تبلیغات این مسیر را ادامه داد اگر چه همواره گوشه چشمی هم به نقاشی داشت. او در سال ۱۳۴۳ گالری صبارا به همراه ناصر مفخم و چنگیز شهبوق راه اندازی کرد که مرکزی برای مدرنیست های جوان آن روزها بود. کاتوزیان بعدها به همراه تعدادی از هنرمندان «گروه هنرمندان پلاستیک تهران» را شکل داد. او از نخستین طراحان گرافیک بود که با تکیه بر زیبایی شناسی نقاشی سعی در ایجاد فضایی متفاوت در طراحی گرافیک کرد. کاتوزیان یکی از تأثیر گذارترین طراحان گرافیک ایران در طول تاریخ پیدایش آن و فردی بود که به عقیده بسیاری، تحول قابل توجهی را در صنعت تبلیغات به وجود آورد. این هنرمند فقید، ۲۵ اسفندماه سال گذشته در اثر بیماری در ۸۳ سالگی درگذشت.



کتابخانه

دشواری یک زندگی روزمره

رمان «یک روز از زندگی عابد سلامه: موشکافی یک ترازوی در بیت المقدس» نوشته ناتان ترال، با ترجمه مشترک ناهید صفایی و ماه فرید منصوریان در ۲۴۳ صفحه و با قیمت ۳۴۰ هزار تومان توسط نشر چشمه منتشر شد. داستان رمان «یک روز از زندگی عابد سلامه»: اتفاقاتی که عابد سلامه از سر می گذراند، نه صرفاً ثمره تخیل نویسنده که روایت زندگی روزمره دشواری است که فلسطینی ها با آن مواجه اند. میلاد سلامه، پسر پنج ساله فلسطینی و هم کلاسی هایش هنگام رفتن به اردو، دچار حادثه می شوند و اتوبوس شان با یک کامیون برخورد می کند. هنگامی که میلاد با مادرش خداحافظی می کند، هوا بارانی است و عابد، پدرش، هنوز خواب است. این همان روزی است که زندگی عابد سلامه برای همیشه



یک روز از زندگی
عابد سلامه

نویسنده: ناتان ترال

مترجمان: ناهید

صفایی و ماه فرید

منصوریان

انتشارات: چشمه

تغییر می کند. این رمان روایتی از احوال ساکنان یکی از مناقشه برانگیزترین سرزمین های روی کره زمین است. نویسنده این کتاب، ناتان ترال مقاله نویس و روزنامه نگار آمریکایی مقیم اورشلیم است. او در این رمان از طریق روایت داستان تصادفی مرگبار که در خارج از اورشلیم رخ می دهد به بازگویی تاریخ می پردازد.

تاریخ

نخستین پرواز انسان به فضا



۱۲ آوریل ۱۹۶۱، یک انسان برای اولین بار به فضا رفت. او کسی نبود جز یوری گاگارین، اولین فضانورد شوروی که سوار بر فضاپیما ی وستوک-۱ بعد از رسیدن به مدار زمین به مدت یک ساعت و هشت دقیقه

دور زمین را پیمود و برای همیشه نام خود را در تاریخ ثبت کرد. وقتی خروشچف، رهبر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، مطلع شد که به سفر فضانوردان بزرگترین دشمن شوروی، یعنی آمریکا، چیزی باقی نمانده است، وظیفه انجام این سفر به افسر نسبتاً کوتاه قدی سپرده شده بود که در گذشته خلبان هواپیمای جنگی میگ ۱۷ شوروی بود. فضاپیما ی وستوک-۱ هیچ موتور برای کاهش سرعت نداشت، بنابراین نمی توانست در امنیت فرود آید. در نتیجه گاگارین خود را از فضاپیما بیرون انداخت و چتر نجات به زمین فرود آمد. برای اینکه این مأموریت به عنوان یک پرواز فضایی رسمی تلقی شود، رهبران شوروی ادعا کردند که گاگارین همراه با وستوک-۱ به زمین آمده و تا پیش از سال ۱۹۷۱ این موضوع را از همگان پنهان نگه داشتند. هنگامی که گاگارین بر زمین فرود آمد، یک جنگل یان به همراه نوه شش ساله اش شاهد فرودش بودند.